



تصحیح متون قدیم - نقد تصحیح

در شماره ۴۷ نامه فرهنگستان، نقد دو اثر از آقایان دکتر علی رواقی، استاد و لغوی شاخص، و دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، استاد و پژوهشگر سرشناس، درج شد که هنوز هیچ نشده زمزمه‌هایی را برانگیخته است.

رسم نامه فرهنگستان نیست که به هیاهو مجال بروز دهد. رواقی و شفیعی کدکنی در عرصه زبان و ادب فارسی خدمات پرارزشی نشان داده‌اند و حق آب و گل کسب کرده‌اند و احترامشان محفوظ است. نقدهای آقای رواقی، که عموماً در راهنمای کتاب به چاپ رسیده، در نوع خود هوشمندانه و نکته‌سنجانه تلقی شده است. آثار آقای شفیعی کدکنی، به خصوص مقدمه‌های حاوی نکات ظریف و بکر او، که از وسعت و تنوع معلومات و گستردگی دامنه مطالعات ایشان حکایت دارد، در پرورش ذوق و شم ادبی و بالا بردن سطح دانش نسل‌های جوان سهم شایسته‌ای یافته است.

این مراتب به هیچ وجه نقد دستاوردهای این دو چهره آشنای زبان و ادب فارسی را محرم نمی‌دارد که سهل است موجه و، بهتر بگوییم، امری تکلیفی می‌سازد، نه تنها به این اعتبار که اثر ارزشمند نوعاً موضوع پذیرفته شده نقد است بلکه هم از این جهت که مندرجات اثر کسانی که در رشته‌ای مرجعیت یافته‌اند طبعاً معتبر شمرده می‌شود و چه خوش‌تر که اگر، در جایی از آن، خطا و لغزشی رخ داده باشد، پیش از آنکه به پشتوانه اعتبار صاحب اثر و مقبولیت او شایع گردد، گوشزد شود.

اما آنچه در صدد طرح آنیم مطلب دیگری است و آن نسبت و رابطه تصحیح متون و

نقد تصحیح متون است. تصحیح متون خدمت علمی و فرهنگی در مقیاس ملی ارزشمند و متأسفانه عموماً نامأجوری است - نامأجور از این جهت که زحمات و جنبه‌های مثبت کار طاقت فرسای مصحح از نظر خوانندگان مکتوم و در نقد ناگفته و پنهان می‌ماند. تصحیح متون مشکلات گوناگون بسیاری دارد که تنها مصحح و کارآشنایان آنها را از سرگذرانده‌اند یا، به زبان امروزی، تجربه کرده‌اند یا به تعبیر فرنگی‌گوی‌تر «زیسته»‌اند. شناسائی نسخه‌ها و تهیه آنها؛ تشخیص عیار و اعتبار آنها؛ روشن ساختن هویت آنها از حیث مؤلف و کاتب و تاریخ کتابت؛ تبارشناسی نسخه‌ها؛ سردرآوردن از شیوه املائی آنها؛ تشخیص سقطات، جابه‌جایی‌ها، تحریف‌ها، تصحیف‌ها؛ بازشناسی عناصر و ساخت‌های مهجور یا منسوخ و یا موضعی و منفرد؛ حدس صورت درست کلمات و عبارات ناخوانا - همه و همه مستلزم کسب معلومات و مهارت‌ها در رشته‌های متعدد، سال‌ها تتبع در متون، شمّ پرورده، دقت نظر و موشکافی، و توانائی گذر از تنگناها و مصون ماندن از دام‌هاست. پیداست که، در این راه پُر عقبه و پُردست‌انداز، کار مصحح آموخته و مجرب هم از نقص و عیب مبرّا نمی‌ماند*.

زان‌سو، تصحیح، همین‌که به بازار کتاب عرضه شود، نقد در کمین دارد و نقد ذاتاً بی‌انصاف است چون خطا و لغزش را می‌بیند اما خود را مکلف نمی‌داند که به هنرها و نکته‌سنجی‌ها و حسن تشخیص‌های مصحح توجه کند و یکایک آنها را بازگوید؛ لازم نمی‌شمارد بنمایاند که مصحح چه خطئی را خوانده، چه تحریف‌ها و تصحیف‌ها و تصرفاتی را باز شناخته، به چه افتادگی‌ها و جابه‌جائی‌هایی پی برده، چه در هم ریختگی‌هایی را نظم و ترتیب داده، در مقابله نُسَخ و آماده‌سازی اثر برای چاپ چه «خون‌دل»‌ها خورده و از چه خوان‌هایی گذشته است. این جمله در نقد، اگر مغفول نماند، مسکوت می‌ماند. همچنین اگر مصحح حیّ و حاضر نباشد یا از نقد خبر نیابد یا به نقد بی‌اعتنا و پابند به این اصل باشد که «نقد خوب داریم اما جواب نقد خوب کم داریم»، بی‌اعتباری برخی از مطالب نقد چه بسا بر مخاطبان پوشیده بماند.

* شاهد صادق آن حواشی علامه قزوینی بر چهار مقاله نظامی عروضی و نقد آن به قلم استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در مجله شرق.

تازه این در شرایطی است که نقد سالم باشد و غرض آلود نباشد؛ در آن، شرط انصاف هرچه بیشتر رعایت شده باشد؛ و هم در محیطی سالم عرضه شده باشد و، به تعبیری رذیلانه که متأسفانه در دوره‌ای شایع شده بود، مُچ‌گیری و به قصد استخفافِ صاحب اثر نباشد؛ و ترفندهای حيله‌گرانه در طرح مسائل به قصد قلب یا کتمان حقایق در آن به کار نرفته باشد.

خلاصه کلام، مصحح بس کمتر از آنچه حق اوست ارج می‌بیند و منتقد بس بیش از آنچه سزاوار اوست اسم و رسم پیدا می‌کند و این هنگامی معلوم می‌گردد که منتقد حرفه‌ای تصحیح متون خطر کند و خود دست به کار تصحیح متون بزند، آن وقت - اگر این تعبیر مجاز باشد - باید بپذیرد که «کفاره»ی نقدهای خود را بدهد - کفاره «ستمی» را که ناخواسته یا خواسته بر مصححان روا داشته است*.

خوشبختانه مناعت طبع و استغناي محققانی که نقد آثارشان در نامه فرهنگستان عرضه می‌شود فضای سالم مجله را از آلودگی مصون می‌دارد و مانع آن می‌شود که صفحات مجله جولانگاه غوغا و جدال و خصومت گردد.

سردبیر



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* نقدهایی از نوع نقد آقای قاسمی بر کار آقای رواقی، در واقع، ویرایش تکمیلی است و چه خوش است که این‌گونه ویرایش‌های تکمیلی پیش از چاپ و نشر اثر انجام گیرد. متأسفانه آقای رواقی تاکنون حاضر نشده است به «بیمه تکمیلی» آثار خود تن در دهد و حاصل کارهای پرازش خود را، هم از نظر محتوایی هم از نظر ساختاری، به مرتبه‌ای که درخور شأن آنهاست برساند.